

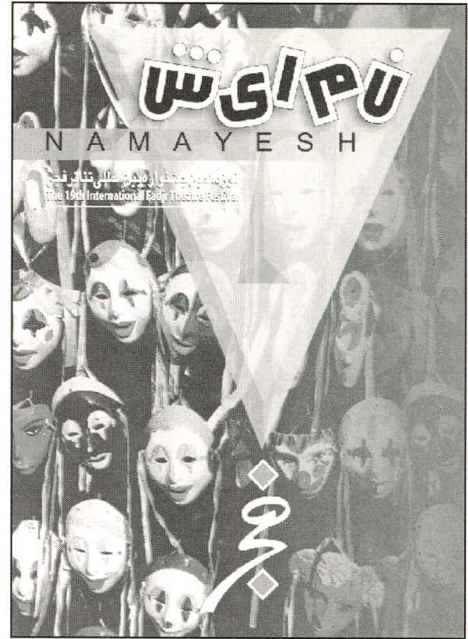
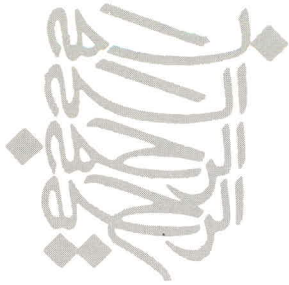
# نمایش ۹

N A M A Y E S H

نوزدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر  
The 19th International Fajr Theatre Festival

۹





# نمایش

N A M A Y E S H

ویژه نوزدهمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر  
۲ تا ۱۴ بهمن ماه ۱۳۷۹

سر دبیر	لاله تقیان :
طراح و مدیر فنی	انوشیروان میرزائی کوچسرای
مترجمین	اختر اعتمادی - آوا سرجویی
عکاس	فتانه دادخواه
کامپیوترگرافیک	کیانوش رضائی
حروف نگار	فرزانه سرمدی
صفحه بندی کامپیوتری	پرویز میرزا حسینی
لیتوگرافی رنگی	جهاد دانشگاهی (واحد هنر)
چاپ جلد	چاپ نخستین
چاپ متن	انتشارات نمایش
همکاران	جواد تولمی - محمد علی میرزایی - علیرضا لطفعلی - هانی کیوان ثانی شراره محمدخباز - فریما روحی نژاد - ناهید کشاورز - افشین منقولی فرهاد سرافراز - مریم محمدی - مهرانه آتشی

انتشارات نمایش

Dramatic Arts Center  
مرکز هنرهای نمایشی

مقالات منتشره الزاماً نظرات مرکز هنرهای نمایشی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیست، نقل مطالب و عکس‌ها با ذکر مأخذ آزاد است. نمایش در چاپ و ویرایش مقالات و مطالب واداره مختار است. مقالات رسیده به هیچ وجه مسترد نخواهد شد.

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان استاد شهریار (ارفع)، تالار وحدت، کدپستی ۱۱۳۳۴، انتشارات نمایش  
تلفن: ۰۵۰۱۰۶۷۰ و ۰۶۷۰۸۸۶۱، پست تصویری: ۶۷۰۳۴۸۵، پست الکترونیک: dac@neda.net  
آدرس سایت اینترنت: <http://www.irannamayesh.com>

نوزدهمین  
THE 19th INTERNATIONAL FADR Theatre Festival  
جشنواره بین المللی تئاتر فجر  
تهران - ۲ تا ۱۴ بهمن ۱۳۷۹  
TEHRAN, 21 JAN. 2 FEB 2001

## تئاتر و گفتگوی تمدنها

«گفتگوی تمدن‌ها» عنوانی است که قرار است در سال ۲۰۰۱ مورد توجه و بحث و نظر تمامی کشورهای جهان باشد. پیشنهاد باب چنین مبحث مهمی نیز با کشور ما بوده است و به همین دلیل ما می‌بایست بهترین آغازکننده آن باشیم. بدین منظور نخست باید مباحث از روال رسمی و سیاسی خارج و در حوزه فرهنگ گسترش یابد. بنابراین بهتر آنست که این رشته گفتگوها را با عنوان گفتگوی فرهنگ‌ها عنوان کنیم که مفهوم دقیق‌تر و درست‌تری دارد. اما فرهنگ به مفهوم تفکر و اندیشه و هنر و ادب است که از مرز زمان و مکان در می‌گذرد و بر بطن جامعه تأثیرمی‌گذارد و میان هنرها، بی‌تردید هنر تئاتر از قرن‌ها پیش و دقیق‌تر بگوئیم از دوران یونان باستان در غرب و بازسازی اساطیر و افسانه‌ها در شرق در این مراوده فرهنگی پیشتاز بوده و این ارتباط را به خوبی حفظ کرده است؛ چنانکه امروز هنوز تئاتر پیشروترین و برجسته‌ترین هنر جهان است چرا که هیچ هنری مفهوم «گفتگو» میان انسانها را زنده‌تر و قوی‌تر از هنر تئاتر ندارد.

در نوزدهمین جشنواره بین‌المللی فجر نیز این نکته مورد توجه قرار گرفته و در بخش «همایش» چند میزگرد بدین منظور پیش‌بینی شده است و قرار است در این میزگردها درباره چگونگی ارتباط‌های فرهنگی میان کشورها بحث و تبادل نظر صورت گیرد. اما آیا رابطه‌های فرهنگی را می‌توان در سخنرانی‌ها و میزگردها خلاصه کرد؟

خوشبختانه در برنامه‌های نوزدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر با دو موضوع بسیار مهم در ارتباط‌های فرهنگی مواجه شدیم. نخست آنکه سه برداشت متفاوت از اثر جاویدان سوفکل نویسنده بزرگ یونان در جدول برنامه‌های جشنواره است که می‌تواند مورد بحث گسترده‌ای به لحاظ برداشت‌های هنری و تفکر موجود در نمایش یا در اجرا قرار گیرد. موضوع دوم نیز اجرای چند اثر نمایشی از کشورهای مختلف است که زمینه اصلی مضمون آنها ماجرای «رستم و سهراب» است که از بزرگ‌ترین داستانهای حماسی و اساطیری ما ایرانیان است.

بنابراین پیشنهاد می‌شود مسئولان همایش جشنواره در جلسات گوناگون که به جهت بررسی و بحث درباره اجراهای جشنواره برگزار می‌شود، دو موضوع یاد شده را با حضور اساتید و صاحب‌نظران مورد توجه قرار دهند و نه تنها برای نقد و بررسی که برای مفهوم کردن بهتر «گفتگوی فرهنگها»، چرا که به گمان ما این رویداد، بزرگ‌ترین فرصتی است که می‌توان آن را به گفتگوی فرهنگها تعبیر کرد.

## در این شماره می‌خوانیم

- |    |                                |
|----|--------------------------------|
| ۳  | تئاتر و گفتگوی تمدنها          |
| ۴  | تئاتر و اندیشه معاصر           |
| ۵  | اخبار جشنواره                  |
| ۶  | ارزش تصویری آئین‌ها            |
| ۷  | مسافر بهشت و دوزخ              |
| ۹  | کارگاه آموزشی و خلاقیت مشترک   |
| ۱۰ | گزارش مصور                     |
| ۱۲ | یاد هنرمند گرامی، هوشنگ گلشیری |
| ۱۳ | معرفی گروه‌های خیابانی         |
| ۱۴ | نظر تماشاگران                  |
| ۱۶ | بخش انگلیسی                    |
| ۱۸ | برنامه‌های امروز و فردا        |

در ابتدا وی ضمن تعریف عمده جهانی بودن گفت: "قبل از هر چیز در این تعریف باید به یک نقطه نظر مشترک برسیم. فراموش نکنیم که تئاتر قبل از هر چیز نیاز به مخاطب دارد و بیش از هر هنر دیگری این نیاز در مورد تئاتر حس می‌شود چرا که در واقع با موجود زنده‌ای با پوست و گوشت و عضلات روبرو هستیم و همین مسئله است که جهانی بودن را برای ما روز افزون می‌کند ما به نوعی تصویری از جاودانگی در خودمان داریم و وقتی برای جهانی شدن قدم برمی‌داریم می‌خواهیم این جاودانگی را وسعت ببخشیم. در تاریخ معاصر تئاتر جهان برای جهانی شدن و به زبان جهانی سخن گفتن می‌توانیم از تجربیات سورتالیست‌ها، از تجربه‌های تئاتری پتیربروک می‌توان یاد کرد.

محمد رحمانیان در ادامه افزود: "متأسفانه مسئله به روز بودن و معاصر بودن در کشور به معنای سیاسی بودن است و تجربه‌های گذشته هم نشانگر تقبل آدم و فردیت با دولت و حکومت بوده است، از تجربه‌های میرزاآقای تیریزی، آخوندزاده، نمایشنامه‌های منظوم عشقی و همچنین موج جدید ۱۳۲۰. در همه آثار ما سیاسی بودن را همسان با معاصر بودن در نظر گرفتیم و از حوالی دهه چهل به بعد اینها از هم جدا شده و راهها شناخته شده و دقیق‌تر می‌شوند و نویسندگانی که ظهور می‌کنند راه خودشان را پیدا می‌کنند و گامی در جهت جهانی شدن بر می‌دارند."

## تئاتر و اندیشه معاصر

### گزارش از دومین روز همایش

از سینما است. خالقین کارهای تئاتر بیشتر سعی دارند به موضوعات بشری بپردازند. تفاوت در شکل جدید تئاتر بلغارستان در فکر، ایده و میزانس است. وی اضافه کرد: ما زمانی مجبور بودیم از پیس‌های روسی استفاده کنیم. یعنی شرایط به گونه‌ای بود که به خواست حکومت حاکم بود و کسانی می‌توانستند اجرا کنند و کسانی نمی‌توانستند. به همین خاطر گفتم موضوع بیشتر مربوط به ذوق و ایده خالق اثر هنری است. در آکادمی تئاتر فکاهی ما در چند سال پیش اجراهایی از نمایش‌نامه‌هایی چون بازرس و خواستگاری صورت گرفته است که این اجراها در ده سال پیش ممکن نبود و اکثراً هم توسط کارگردانان جوان کارگردانی شده بود.

وی در پایان، موضوعات نویسندگان جوان بلغارستانی را موضوعات جالبی داشت و گفت: جوانان دوره‌های آموزشی‌را در خارج از بلغار فرامی‌گیرند و به کشور باز می‌گردند و تجربه می‌کنند. مثلاً اگر جوانی در آلمان تحصیل کرده است بیشتر آن فضا را برای اجراهای خود استفاده می‌کند.

سخنران بعدی این جلسه محمد رحمانیان نویسنده و کارگردان ایرانی بود.

در دومین روز از همایش پنج روزه «تئاتر و اندیشه معاصر»، «تینا دیمیترووا» از کشور بلغارستان به ایراد سخنرانی پرداخت. این هنرمند بلغارستانی در ابتدا ضمن تشکر و سپاس از برگزارکنندگان جشنواره و تماشاگران ایرانی گفت: در کشور بلغارستان هم اکنون ما با دوران تجدید حیات روبرو هستیم، بخاطر اینکه در این ده سال در کشور ماتئیراتی بوجود آمده که شامل تئاتر هم شده است.

قبل از آن تاریخ تئاتر محدود بود و بعد که کمونیستها پس رفتند کشور در بهای خود را به روی عقاید متفاوت باز کردوی اضافه کرد: من گمان می‌کنم با تغییرات باید هوشمندانه برخورد کرد، نمایش ما را همه مورد انتقاد قرار دادند و گفتند که با تماشاگر ارتباط برقرار نمی‌کند ولی ما اجرا کردیم و ارتباط خوبی هم برقرار کرد. از دوران کمونیست روسیه تا نمایش معاصر نه تنها ما بلکه بسیاری از مراکز تئاتری به نمایش‌های دوران معاصر پرداختند. برای اینکه مردم نمایش را دوست دارند که به زندگی پیرامون خود بپردازد.

«تینا دیمیترووا» در ادامه سخنرانی‌اش گفت: تغییرات در بلغارستان، خاص تئاتر نبود، و در سینمای بلغارستان هم‌گرایش جدیدی بوجود نزدیک است. اما توسعه تئاتر چشمگیرتر

و هیجان این نمایش را صدچندان کرد. اگر شما هم در سالن بوده باشید حتماً از صدای خنده‌های حضار متوجه رضایت تماشاگران شده‌اید. جالب‌ترین قسمت در سانس دوم اجرای شب دوم این بود که کودکی با کوچکترین حرکت هنرمندان چندان به قهقهه می‌افتاد که دیگر تماشاگران را هم به خنده می‌انداخت. متأسفانه همچنان صدای موبایل موجب آزار هنرمندان و تماشاگران شد.

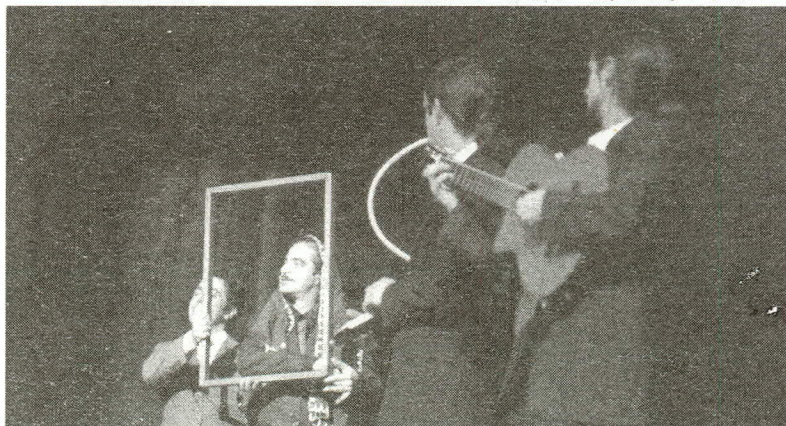
به هر حال خوشبختانه نمایش‌های خارجی نه تنها قابل قبول بوده‌اند بلکه هر کدام به نوعی نظر همگان را به خود جلب کردند. امیدواریم که مسئولان تئاتر ایران از این گروه‌ها دعوت به عمل آورند تا در فرصت مناسب‌تر علاقه‌مندان بیشتر از این نمایش‌ها لذت برده و هنرمندان ایرانی استفاده کافی ببرند.

محمد علی میرزائی

هنرمندان پرتغالی همه تماشاگران حاضر را محو خویش کرده بودند چنانچه به جرأت می‌توانیم بگوییم کسی نخواهد توانست حتی با میل خود این نمایش را از خاطر ببرد. صحنه‌پردازی ساده و زیبای این نمایش و برخورد نزدیک هنرمندان با تماشاگران صمیمیت عجیبی در سالن ایجاد کرد. استفاده از موزیک زنده و همراه با کار شور

## لئوناردو، از کودکی تا...

امیدوارم شما که خواننده بولتن هستید نمایش «لئوناردو» از کشور پرتغال را دیده باشید و گرنه برایتان متأسفم که یکی از بهترین و بی‌نظیرترین کارهای کم‌دی مدرن روز اروپا را از دست دادید. حرکت، موزیک و میمیک صورت





## اخبار جشنواره

### گفتگوی مطبوعاتی با گروه مصر

در هشتمین روز از جشنواره نوزدهم گروه نمایش «کلاف زندگی» از کشور مصر در جمع خبرنگاران در محل کافه تریای تئاتر شهر حضور یافتند.

در ابتدا حسن گریلتی کارگردان و سرپرست گروه ضمن معرفی اعضای گروه گفت: «این گروه از سال ۱۹۸۷ کار خود را آغاز کرده است و در زمینه‌های مختلف شروع به کار کرد. قسمتی از فعالیت‌های این گروه در زمینه ترجمه آثار خارجی و نمایشنامه‌هایی از پیتر هانتکه، داریوفو، پتتر، کافکا و... است. همچنین این گروه تلاش می‌کند از سنتها و نمایشنامه‌های سنتی که در جامعه مصر وجود دارد بهره بگیرد. وی در مورد فرهنگ کشور مصر افزود: «کشور مصر بعد از حمله ناپلئون بناپارت به آنجا دچار تحولات زیادی شد و این حمله باعث شد تا نمایشنامه‌ها و ادبیات اروپا وارد مصر شود اما علی‌رغم این موج غربی ما سعی کردیم سنتها و آئین‌های خودمان را نگه داریم. کشور ما سرشار از ادبیات و داستانهای عامیانه است که به اشکال گوناگون به همراه شعر و موسیقی به نمایش در می‌آیند و همچنین داستانهایی وجود دارد که از دل خود مردم برخاسته است چون مردم ما تمامی داستان‌های خود و زندگی خود را برای همگان بازگو می‌کنند که این گروه در زمینه تمامی این داستانها و اشکال مختلف سنتی تحقیقات زیادی را انجام داده است و اغلب فعالیت‌های ما در سطح جهان عرب است. یکی دیگر از میهمانان این نشست خانم «نشا سلپها» استاد و منتقد تئاتر بود که وی در مورد نحوه فعالیت این گروه در مصر گفت: «من همیشه پیگیر فعالیت‌های این گروه هستم این گروه مفهوم تازه‌ای را در صحنه تئاتر مصر بوجود آورده‌است و این گروه از هر لحاظ مستقل است.»

کارگردان نمایش در مورد نمایش کلاف زندگی گفت: «داستانی که در این نمایش نقل می‌شود یکی از مشهورترین داستان‌های ادبیات مصر است که شعرای سنتی مصر این داستان را بارها و بارها بازگو کرده‌اند و ما سعی کردیم از این سنت و میراث فرهنگی بهره بگیریم و به گونه‌های دیگری آن را نمایش دهیم و تعریف کنیم و این یک نمایش برخاسته از هویت ما است. اصل کار ما برخاسته از آن روابطی است که ما با مردم خودمان داریم و من به

زمانی علاقمندم که من و مخاطبان نمایشم با هم کار را آغاز می‌کنیم.

در پایان این نشست اعضای گروه نمایش مصر قطعاتی شاد را به اتفاق در جمع خبرنگاران اجرا کردند.

### گفتگوی مطبوعاتی با گروه فلسطین

در نهمین روز از جشنواره نوزدهم گروه نمایش «صالح العبد صالح» از کشور فلسطین و همچنین گروه نمایش «لئوناردو» از کشور پرتغال در جمع خبرنگاران در محل کافه تریای تئاتر شهر حضور یافتند.

در ابتدا «زیناتی قدسیه» کارگردان نمایش ضمن معرفی گروه گفت: «اغلب فعالیت‌های این گروه در رابطه با مسأله فلسطین و حوادث و رویدادهای این کشور است و این نمایشنامه را به صورت گروهی نوشته‌ایم و می‌خواستیم که حکایت مردم خودمان را بیان کنیم چون ما هم خبر و همان مردم هستیم و ممکن است این نمایش نسبت به حوادث رویدادهای هر روز این کشور تغییرات زیادی کند.»

وی در مورد موسیقی این نمایش گفت: «موسیقی عرب بسیار گسترده و با ارزش است اما موسیقی جهان عرب عمدتاً در دو سطح به هم نزدیک است یکی ترانه و دیگر موسیقی‌ای که شکل مذهبی دارد که اغلب آنها مربوط به جشن‌ها و مراسم عزاداری است و ما در تئاتر بیشتر نیازمند موسیقی تصویری و افکت هستیم که در بخش‌های هارمونی و موسیقایی که در کنار نمایش می‌تواند آن نمایش را برای بیننده زیباتر کند انجام نشده است. تحقیقات موسیقی در کشور ما خیلی کم است و خلاء زیادی در این زمینه احساس می‌شود.»

وی در پایان در مورد تئاتر در کشور فلسطین گفت: «ما گروهی هستیم که در کشور سوریه و در شهر دمشق مستقر هستیم و با این همه تنها گروهی هستیم که در کشور فلسطین درباره مسائل فلسطین فعالیت می‌کند و به غیر از این گروه دیگری نیستند.»

اعضای گروه پرتغال نیز در مورد نحوه فعالیت‌های گروه ابراز داشتند: «شپتو که نام گروه ما است تاکنون ۱۴ نمایش را در طول پنج سال

به روی صحنه برده است که همه آنها از حرکات سیرک، موسیقی و زبان بدنی استفاده شده است و مضمون همه آنها کمدی است. دو نفر از ما قبل از اینکه هنرپیشه باشند نوازنده بودند و از این رو تمامی نمایش‌های ماموزیک زنده دارند. و ما در خلق نمایش‌هایمان به دنبال یک گفتگو و خلق جهانی هستیم همانطوری که نمایش لئوناردو از زبان جهانی استفاده می‌کند و لئوناردو داوینچی هم یک شخصیت جهانی است و تمامی این حرکت و متن و دیالوگو فن فقط برای ارتباط است. پیام ما از طریق تئاتر خنده و شادی است و وقتی مردم نمایش ما را می‌بینند به شور و شوق دست می‌یابند و این همه هدف ما است.»

این گروه در مورد تئاتر معاصر پرتغال افزودند: «در حال حاضر دو گروه در پرتغال هستند که یا کارهای کلاسیک انجام می‌دهند و یا کارهای کودک و ما سعی داریم که نقطه‌ای میان این دو نوع از نمایش را به روی صحنه بیاوریم و دوست داریم بتوانیم این خلاء را پر کنیم.»

### نقد وارد یا ناوارد

نقادی، نمایشی به صحنه برد نقادانه. منتقدی نقدی نگاشت در نقدنامه‌ای جریده‌نما در شلوغی تئاتر شهر نقاد نقدشونده، یقه منتقد نقدکننده را گرفت و نقدی بر نقدش خطابه کرد و چون نقد نقادانش، نقد نشد، منتقد را به نقد گذاشت، آنچنان که من نقد نشنو، از استراق سمع خویش در امان نبودم و همه اینها در ثانیه و قدمی در گذر کنار نقادان گذشت و من بر آن نقدی ندارم و نقدی بر من وارد نیست!!!

### بهرام بیضایی سمینار یا سگ‌کشی

در دومین روز از همایش «تئاتر و اندیشه معاصر» که قرار بود بهرام بیضایی به ایراد سخنرانی بپردازد. در جلسه حضور پیدا نکرد. حمیرا مجد دلیل عدم حضور بهرام بیضایی در این جلسه را مراحل صداگذاری فیلم سگ‌کشی دانست و به‌حاضرین این نوید را داد که بهرام بیضایی در روزهای آینده همایش در این سخنرانی شرکت خواهد کرد.

## ◀ ارزش تصویری آئین‌ها

گفتگو با صادق حسینی کارگردان نمایش بشم

این نمایش بدلیل اینکه یک باور بسیار قدیمی است در مناطق کوهستانی ما تا سال‌های خیلی نزدیک نیز اجرا می‌شده حتی نوازنده‌ی ما آقای نوری خودش در یکی از این مراسم که در منطقه‌ای بنام دیلمان‌ات لاهیجان که به قله دلفک بر می‌گردد اجرا شده است شرکت داشته است.

در بین مناطق مختلف گیلان آئین‌ها و رسوم مختلفی برگزار می‌شود فکر می‌کنید این آئین‌ها چه ویژگی‌های مشترکی با یکدیگر دارند؟

در منطقه گیلان تمام آئین‌ها با یک تغییر و تحول کوچک شبیه به هم هستند همین وجهه از نمایش بشم در منطقه‌ای از گیلان در مورد رودخانه‌ها اجرا می‌شود که در موقع غرق شدن یک آدم در رودخانه اجرا می‌شود یا نمایش عروس گله که در یکی از مناطق گیلان شرق و غرب آن با تفاوت‌های کوچکی اجرا می‌شوند یعنی شخصیت‌ها و محور داستان همان است ولی تغییری جزئی دارد که خود مشخص کننده آنست که آئین‌ها با هم پیوند دارند و ارتباطی خیلی قوی که خود این پیوندی است در بین مردم و احیای آن نقاط مشترک فرهنگی ما را زنده نگه می‌دارد.

در زمینه موسیقی از چه نوع سازها و آواهایی استفاده می‌گردد؟

کلیه موسیقی محلی است بنام برویم نره (قوچ قهوه‌ای) که در مناطق کوه‌نشین لاهیجان و زرد ملیجه (گنجشک زرد) بهره برده شده است و آلات موسیقی نیز سُرنا و نقاره است که البته کمی با سازهای مشابه فرق دارد و ساز خاصی است با پوست که بر روی ظروف مسی کشیده شده است.

چه تعریفی از نمایش خیابانی دارید؟  
نمایش خیابانی بدلیل اهمیتی که برای ارتقاء هنر دارد می‌تواند در غنی‌تر شدن تئاتر کشور مهم باشد و می‌تواند در صورتی که جایگاه خود را پیدا کند روند رو به رشدی یافته البته این کار نیازمند هنرمندان مستعد و با سابقه‌ای است که دارای تجربه هستند تا مردم نیز به سمت آنان کشیده شوند.

بدلیل نمایشی نبودن نیاز به تلفیق با جنبه‌های دیگر نمایشی داشت.

عنصر کلام در نمایش شما نسبت به موسیقی چگونه است؟

کلام خیلی کم است و سعی کرده‌ایم بیشتر با حرکتهای نمایشی آنرا جلو ببریم مطمئناً اگر این زبان حرکت باشد و تصویر می‌تواند در کارهای خیابانی تأثیرگذارتر باشد البته اینگونه نیست که بگوئیم تنها زبان تصویر می‌تواند ارتباط برقرار کند، عکس آن نیز صادق است. تئاترهای خیابانی ما با نمایشهای خیابانی تفاوت دارد. نمایشهای ما یکسری نمایشهای آئینی است حال اینکه تئاترهای خیابانی بررسی یکسری از مشکلات اقتصادی، سیاسی و... که در آن دیالوگ جایگاه خاص خودش را دارد ولی در این نوع نمایشهای آئینی اگر حرکات و تصاویر بیشتر باشد جایگاه بهتری خواهد داشت.

وضعیت اینگونه نمایشها و آئین‌ها در میان مردم منطقه و هنرمندان چگونه است؟

در سالهای قبل که ما با نمایشهایی چون عروس گله و دعای آفتاب در جشنواره شرکت داشته‌ایم نمایشهایی بود که مردم بیشتر با آنها ارتباط داشته‌اند و هنوز هم اجرا می‌شود ولی

در ابتدا کمی در مورد موضوع انتخابی و محور داستانی نمایش توضیح دهید؟

بشم یکی از باورهای قدیمی مردم گیلان است که در زمان قدیم هنگام کوچ و عبور از مناطق کوهستانی وقتی افراد راه گم کرده و در برف گیر می‌کردند و جان خود را از دست می‌دادند کمک‌رسانان با نواهای ساز بسیار شاد در مسیر آنان حرکت می‌کردند و در جاهایی که اجساد در زیر برف بود سازها از نواختن می‌افتاد و مشخص می‌کرد که محل کجاست. که ما برای بیشتر کردن جنبه‌های نمایشی این اثر و سیر داستانی آن از رسوم آئینی و عروسی محلی (نارنج‌زنی) استفاده کردیم که زوجی جوان در مسیر راههای کوهستانی گیر می‌کنند و...

فکر می‌کنید چه نکته‌ای در این نمایش مهم است؟

فکر می‌کنم ارتباط تنگاتنگ با مخاطب است چون زبان نمایشی ما بیشتر بر تصویر بنا شده است تا تماشاگر با هر موقعیتی بتواند با آن ارتباط برقرار کند و کاتالیزور آن نیز موسیقی است حتی در لحظاتی که حزن‌انگیز است این ارتباط قابل درک است.

در شیوه اجرایی به بافت سنتی اثر به چه میزان توجه داشته‌اید و یا تغییر و تحولی در آن ایجاد کرده‌اید؟

نه ما فقط اثر چهارچوب اصلی آئین در انتهای نمایش بهره برده‌ایم و در تستهای میانی و اوایل نمایش با ترندهائی سعی در جذاب‌تر کردن اثر کرده‌ایم. چون صرفاً این نمایش



# مسافر بهشت و دوزخ

درباره نمایش ارداویرافنامه

۱۹۸۷: اجرای سیدارتا اثر هرمان هسه در رم  
 ۱۹۸۷-۹۱: اجرای سیدارتا در شهرها مختلف  
 ایتالیا  
 ۱۹۸۳: اجرای موفقیت آمیز؛ برصیصای عابد؛  
 که موجب معرفی ایشان به دنیای تئاتر ایتالیا



شد.  
 ۱۹۸۹: اجرای نمایش؛ پرومته؛ در ایتالیا، شرکت  
 در جشنواره های یونان، مصر، استانبول  
 ۱۹۹۴-۱۹۹۰: اجرای نمایش؛ پلوتو؛ اثر  
 اریستوفان در ایتالیا و خارج از ایتالیا  
 ۱۹۹۲: اجرای نمایش؛ آلسست؛ اورپید.  
 ۱۹۹۸-۱۹۹۶: اجرای نمایش؛ آمفی تریبونه اثر  
 پلاتو به بازیگری دوتیلو دل پرته که به دلیل  
 فوت ایشان اجرا متوقف شد.  
 ۱۹۹۶: تأسیس تئاتر؛ سالائوتو؛  
 که در حال حاضر یکی از مهمترین سالن های  
 آوانگارد شهر رم است.  
 ۲۰۰۰: اجرای نمایش؛ ارداویرافنامه؛ با یک  
 گروه ایرانی-ایتالیایی در آمفی تئاتر  
**ostiantika**  
 شهر خردمند در مورد چگونگی کار خود به  
 گزارشگر ما توضیح داد:  
 ارداویرافنامه یک کار صد در صد تئاتری نیست،  
 در واقع کاری مینی مال است و بیشتر تمرکز  
 روی صوت است. در اجرای این کار من برخی  
 سبک‌ها را کنار هم گذاشته‌ام، با این هدف که  
 در مجموعه این اثر نژادها و فرهنگ‌های  
 مختلف به هم می‌آمیزند و هر یک شیوه‌های

چيست... برخی از محققین معتقدند که دانتیه  
 آلگری از متون ارداویرافنامه باخبر بوده است.  
 زیرا هر دو از برزخ و دوزخ و بهشت سخن گفته  
 اند و موقعیت ها به همدیگر شبیه است.

## درباره شهر و خردمند

فارغ‌التحصیل از مدرسه Alessandro  
**Fersan Roma** در رشته بازیگری و  
 کارگردانی تئاتر در سال ۱۹۶۷.  
 ۱۹۶۸-۱۹۶۷: اجرای نمایش های تجربی در  
 شهر رم  
 ۱۹۷۰-۱۹۶۹: اجرای نمایش ادیب، ادیب برای  
 افتتاحیه کارگاه نمایش (این نمایش اقتباس  
 آزاد از ادیب سوفکل) در تهران  
 ۱۹۷۰: اجرای پرومته در کارگاه نمایش  
 ۱۹۷۱: تدریس بازیگر در دانشگاه تهران و  
 همکاری با وزارت فرهنگ و هنر  
 ۱۹۶۷: اجرای نمایش؛ سودابه و سیاوش؛ در  
 جشنواره توس  
 ۱۹۷۷: اجرای نمایش رستم و اسفندیار  
 ۱۹۷۸: اجرای نمایش؛ گیلگمش؛ در جشنواره  
 توس  
 ۱۹۷۹: تأسیس مدرسه بازیگری در رم

کارگردان: شهر و خردمند  
 بازیگران: گلچهره سجادیه، علی فتحعلی،  
 ولی اله ترابی، داود بهشتیان، آنتونیو کانالا،  
 حافظ خلیفه

## دستیار کارگردان: جولیار هالیبراند

تنظیم کننده: مائور تیبری  
 طراح نور: جیلان مک برایت  
 طراح لباس: دوناتو دیزو  
 عکاس: دینا کانزانو  
 هماهنگ کننده: پروین کوثری

**خلاصه نمایش:** بعد از حمله اسکندر به  
 ایران، و آتش سوزی کتابخانه تخت جمشید،  
 نسخه های اصلی زند اوستا و گاتاها از بین  
 رفت. تنها اثر باقیمانده، نسخه های ویژه  
 موبدان رزتشتی بود. به دلیل اختلاف میان  
 نسخه های مختلف بین موبدان درگیری و  
 بحث رخ داد. به همین دلیل شورایی تشکیل  
 دادند و تصمیم گرفتند مسافر برگزیده ای به آن  
 دنیا بفرستند. تا از آن دنیا برایشان خبر بیاورد. از  
 میان پاکان، هفت نفر انتخاب شدند، از میان  
 هفت نفر یک نفر به نام ارداویراف انتخاب شد  
 تا به آن دنیا برود و خبر بیاورد که واقعیت قضیه



دوزخ پا گذاشته است. هدف از این سفر یافتن راهی درست برای شیوه زندگی کردن است: پندار نیک، کردار نیک، گفتار نیک. یکی از ویژگی‌های سفر ارداویراف این است که این سفر از سر آگاهی، با نوشیدن شربتی آیینی از شراب و گیاه آغاز شد. سفر به دنیای دیگر هفت روز به طول انجامید، که در پایان ارداویراف، با بیداری دوباره، قادر بود همه آنچه را که در زمان خواب جسمانی‌اش دیده، یعنی روشنایی‌های بهشت و وحشت دوزخ را که سرانجام ارواح نیکو و خبیث است، را شرح دهد.

شکل اجرای نمایش ارداویرافنامه نقالی است که سبکی قدیمی در ارائه نمایش‌های اسطوره‌های ایران است. صیقل یافته‌ترین شکل نقالی نوعی فن بیان همراه با حرکات تروبادور (شیوه اجرای نوازندگان و شاعران فرانسوی در قرن یازده تا سیزدهم میلادی) است. هنوز هم بهترین مکان برای اجرای این نمایش‌ها، قهوه‌خانه‌های شری است؛ جایی که مردان گردگرد می‌نشینند، قلیان می‌کشند، چای می‌خورند و تخته نرد بازی می‌کنند. تروبادور (نقال) وارد قهوه‌خانه می‌شود و نمایش را آغاز می‌کند. بعدها نقالی تنوع پیدا می‌کند و گروه نقالان همراه با نوازندگان برنامه اجرا می‌کردند که شامل نواختن تنبک، آوازخوانی و به خصوص تأکید بر سبک شعرخوانی است.

آخرین مطلب این است که ارداویرافنامه در اوستیا آنتیکا اجرا شده است.

درازی محبوب بوده و سپس مورد سرکوبی و تبعید قرار گرفته است. این دین اساس روحیه ایرانی را می‌سازد. درباره زندگی زرتشت (شتر سوار ثروتمند) اطلاعات بسیار کمی در دسترس است، گفته می‌شود که در شرق ایران زندگی می‌کرده است اما یقینی در این باره نیست. تا این اواخر محققین گمان می‌کردند که زرتشت در قرن هفتم پیش از میلاد زندگی می‌کرد اما آخرین تحقیقات نشان داده است که سال تولد این پیامبر بزرگ ۱۷۷۴ پیش از میلاد بوده است. دین زرتشت به جاودانگی روح و حفظ آن از نیروهای شر معتقد است. دو نیرو بر جهان فرمانروایی می‌کنند: اهورامزدا که خدای قدرت و خوبی است و اهریمن خدای شر. هر دو قدرتی یکسان دارند، اما اهورامزدا قادرست که بر اهریمن برتری یابد.

ارداویرافنامه (ارداویرافنامه) یکی از محبوب‌ترین و معروف‌ترین کتاب‌های دین زرتشت است. این کتاب که بعدها منتشر شد، یکی از منابع مهم زندگی بعد از مرگ در ایران قدیم است. قدیمی‌ترین نسخه‌ای که از ارداویرافنامه موجود است، نسخه خطی متعلق به سال ۱۲۶۹ است که با بررسی زبان به کار رفته در آن و سبک و محتوای فرهنگی آن، می‌توان گفت که خیلی پیش از این نوشته شده است. شکی نیست که این داستان شفاهی بوده است و بعدها نوشته شده است.

ارداویرافنامه شرح سفر اردا است که به بهشت و

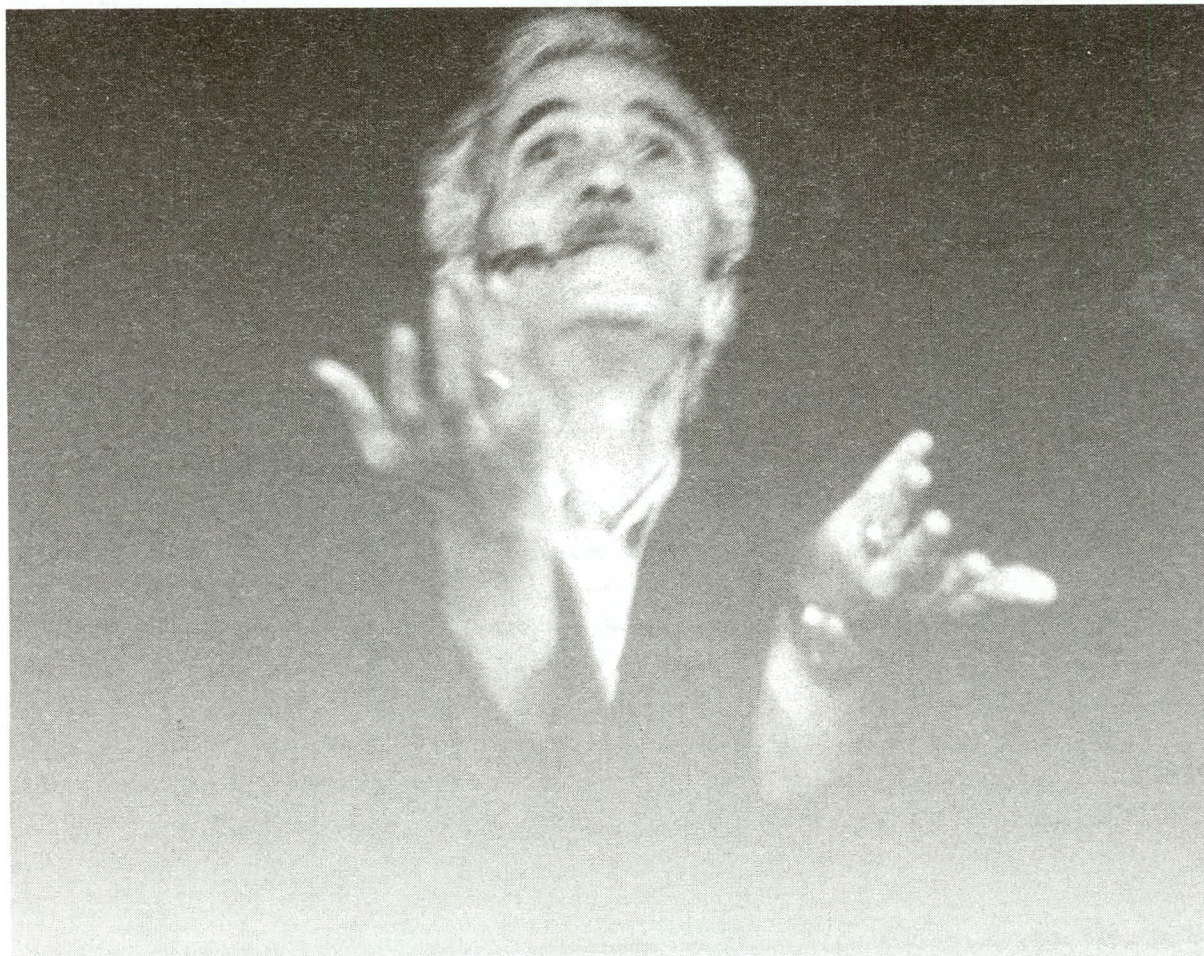
خود را کنار دیگری قرار می‌دهد. در واقع من کوشیده‌ام تا این مجموعه را هماهنگ کنم و به ریتم واحدی برسانم. در واقع هدف من این است که بتوانم نشان دهم که مردم جهان از نقاط مختلف و فرهنگ‌های متفاوت می‌توانند با هم زندگی کنند؛

وی همچنین در مورد سابقه این شیوه تئاتری توضیح داد:

"باید خاطر نشان سازم که این شیوه کار از دهه ۷۰ به بعد در جهان مورد توجه بسیار هنرمندان تئاتر قرار گرفته و هنرمندان بزرگی نیز به این هدف اندیشیده‌اند. من هم قصد دارم بگویم که چگونه فرهنگ شرق و فرهنگ غرب بر هم تأثیر می‌گذارند و فضائی را می‌سازند که در آن زیبایی، اندیشه و تفاهم می‌تواند به خوبی نشان داده شود. این هنر که "هنر انتقالی contaminated Art" خوانده می‌شود مورد توجه من است و ما کوشش می‌کنیم این راه را تجربه کنیم. می‌دانم که احتمالاً کار اشکالاتی خواهد داشت اما امیدوارم به نتایجی مفید برسیم."

#### ارداویرافنامه

دین زرتشت که با کتاب اوستا و یا Mazdee معروف است اساساً ریشه ایرانی دارد و سال‌های







## ◀ کارگاه آموزشی و خلاقیت مشترک

به نظر می‌رسد که تئوری کارگردان‌های بزرگی چون یرزی گروتوفسکی و یا تادوش کانتور که حالا دیگر عمومیت بیشتری یافته‌اند، مورد استقبال کارگاه‌های آموزشی قرار گرفته‌اند و این گروه‌مربی‌ان که همگی در استفاده از عناصر فرهنگ‌های قدیمی، سنتی و تلفیق آن با عناصر جوامع مدرن متفق القول هستند، به خوبی این آموزش‌ها را در زمینه طراحی صحنه، طراحی صدا برای صحنه و ایجاد فضا و نیز شیوه بازیگری پیاده می‌کنند.

دانشجویان شرکت‌کننده در این کارگاه آموزشی به شیوه‌های متفاوت آموزش در این کارگاه اشاره می‌کردند و خواستار تکرار این گونه کارگاه‌های آموزشی بودند.

مثلاً" یک گروه از این دانشجویان داستانی را از میان داستان‌های بومیان استرالیایی به نام "بازگشت گل" انتخاب کرده بود. یک گروه "مکبث" و یک گروه بر اساس داستانی از شاملو نمایشی را باده‌سازی می‌کرد.

پروفسور نایگل آزرین که به خوبی بومیان استرالیایی و جغرافیای زندگی آنها را می‌شناسد، برای گروهی که نمایش "بازگشت گل" را انتخاب کرده بود، جزئیاتی را که یک بازیگر می‌تواند از فرهنگی بدوی بیاموزد، توضیح می‌داد. یکی از تمرین‌های کلاس حرکت در بازیگری نمایش دوره‌های گوناگون زندگی بازیگر با نمایش اصوات و حرکات بدن بود. در این تمرین به شیوه تولید اصوات عاطفی در میان قبایل بدوی استرالیا اشاره شد.

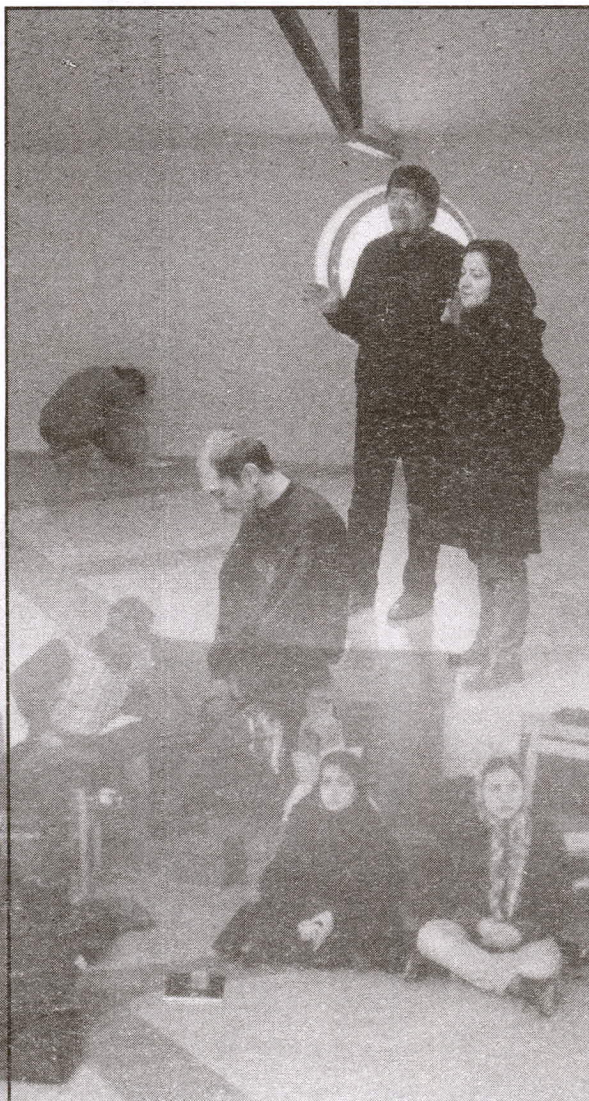
یک گروه هفت نفره از کارشناسان تئاتر انگلیسی شامل پروفسور نایگل آزرین، و خانم‌ها اسکای رینولدز و رکسانا پاپ مریبان حرکات بدن، آقای پیتر ویلک و خانم بیبا مورفی، موسیقی‌دان و کارشناس الکترونیک و آکوستیک صدا در تئاتر بیرمنگام و خانم میریام نابرو طراح صحنه و آقای کنراد فیلمساز، جمع گروه کارگاه آموزشی را تشکیل می‌دهند که در ایام جشنواره نوزدهم تئاتر فجر و به همت بنیان جشنواره تئاتر به تهران آمدند تا در مدت دو هفته سه گروه ده نفره را آموزش دهند.

این گروه مربیان تئاتر که هنوز نامی برای گروه خود انتخاب نکرده‌اند، مدت پنج سال است که در کشورهای انگلستان، گرجستان، کوزوو، آلبانی و جمهوری چک کارگاه‌های آموزش تئاتر را برگزار کرده‌اند.

مربی‌ان این گروه با وجودیکه عمدتاً جوان هستند اما با تجربه و متانت انسان‌های بسیار سفر کرده و حوصله و دلسوزی استادان پرکار برنامه منظمی را برای دانشجویان علاقه‌مند تئاتر ایرانی که کاملاً با انرژی سر این کلاس‌ها حاضر می‌شوند، تدارک دیده‌اند، این استادان با شناخت از تئوری‌های مدرن تئاتر، فضای تازه‌ای را در این کلاس‌ها ایجاد کرده‌اند.

این کلاس‌ها که هر روز از ساعت ۸ صبح تا ۳ بعدازظهر ادامه دارند، در آتلیه‌های مختلف خانه هنرمندان تشکیل می‌شوند. خانه هنرمندان با ساختمان بازسازی شده و معماری مناسب این گونه کارگاه‌ها، فضای خوبی را برای این گونه کلاس‌های آزاد بازیگری و تئاتر ایجاد کرده است.

برنامه‌های آموزشی این گروه: در هفته‌ی اول یک آموزش مقدماتی همراه با تمرین‌های بدنی برای دانشجویان تئاتر، آموزش طراحی صدا برای تئاتر با استفاده از امکانات کامپیوتری و با الهام از آلات موسیقی سنتی و کلاس طراحی صحنه، طرح تئوری‌های تازه و مدرن در صحنه‌آرایی تئاتر است. دانشجویان کلاس‌های مختلف در آغاز هفته دوم، گروه‌های جدیدی تشکیل می‌دهند و هر گروه (ترکیب از بازیگر - طراح صحنه - طراح صدا) با انتخاب یک نمایش، آموخته‌های خود را در این کلاس‌ها در قالب اجرای تئاتر، به نمایش می‌گذارند و در پایان هر هفته، نظارت کار



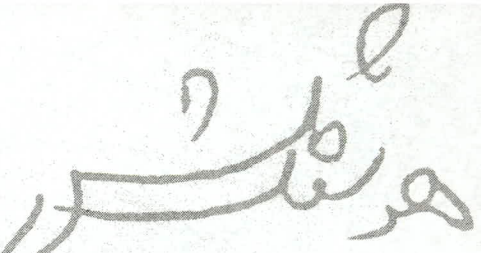
# خلاقیت مشترک میان فرهنگها

کارگاه آموزشی



# مناقشات

در جشنواره



## به یاد هنرمند گرامی هوشنگ گلشیری

سال شمار کار و زندگی هوشنگ گلشیری

۱۳۱۶ - تولد در اصفهان

۱۳۱۶ تا ۱۳۲۱ - زندگی در اصفهان

۱۳۲۱ تا ۱۳۳۴ - اقامت در آبادان

۱۳۳۷ - شروع داستان‌نویسی

۱۳۳۴ تا ۱۳۵۳ - اقامت در اصفهان

۱۳۳۸ - تحصیل در دانشکده ادبیات فارسی

۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲ - شرکت در انجمن ادبی صائب

به همراه بهرام صادقی، منوچهر بدیعی، محمد

کلباسی، ضیاء موحد، محمد حقوقی، حمید

مصدق، اورنگ خضرای، مجید نفیسی و...

اواخر ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۲ - زندان سیاسی

۱۳۴۴ - راه انداختن نشریه جنگ اصفهان با

همکاری دوستان حلقه ادبی و بیوستن

ابوالحسن نجفی، احمد میرعلایی، احمد گلشیری

و بعدها فرخالی، تراکمه، اخوت، کوشان به این

حلقه - تدریس در دبیرستان‌های اصفهان

۱۳۴۷ - عضویت در کانون نویسندگان ایران

۱۳۵۲ - شش ماه زندان سیاسی و سپس تعلیق

از کار دبیری

۱۳۵۳ - اقامت در تهران و تشکیل جلسات

هفتگی با همراهی رضا سیدحسینی، محمدعلی

سیانلو، پرویز مهاجر و داریوش آشوری.

۱۳۵۶ - شرکت در سخنرانی‌های ده شب شعر

انجمن فرهنگی گوته و کانون نویسندگان ایران.

۱۳۵۷ - سفر به آمریکا به دعوت طرح

بین‌المللی نویسندگی و سخنرانی در ایالت‌های

مختلف.

۱۳۵۸ - اقامت در اصفهان، از سرگیری شغل

دبیری و فعالیت در کانون مستقل فرهنگیان.

۱۳۵۸ - ازدواج با فرزانه طاهری، انتقال به

تهران و تدریس در دانشکده هنرهای زیبا.

۱۳۶۰ - اخراج از دانشگاه تهران و توقف فعالیت

مستمر کانون

۱۳۶۱ تا ۱۳۶۳ - تشکیل شورای نقد آگاه با

همکاری باقر پرهام، یلفانی، دریابندری.

۱۳۶۲ تا ۱۳۶۷ - تشکیل جلسات داستان‌خوانی

پنجشنبه‌ها با نسل جوان تر داستان‌نویسان.

۱۳۶۵ - همراهی برای انتشار مجلات آدینه و

دنیای سخن و همکاری در انتشار مجله مفیدو

به عهده گرفتن بخش ادبی مجله، که پس از ۱۰

شماره از انتشار بازماند.

۱۳۶۹ تا ۱۳۷۰ - دایر کردن کلاس‌ها و

جلسات عمومی شعر و داستان در گالری کسرا،

و ادامه این جلسات به صورت نامستمر و تا

سال‌ها بعد در مکان‌های مختلف

۱۳۷۷ - عضویت در هیئت دبیران موقت کانون

نویسندگان ایران منتخب نشست عمومی اسفند

ماه، سردبیری ماهنامه ادبی کارنامه در تهران

۱۳۷۸ - عضویت در هیئت دبیران کانون

نویسندگان ایران منتخب مجمع عمومی آذر

ماه، دریافت جایزه اریش ماریامارک

۱۳۷۹ - درگذشت در تاریخ شانزدهم خرداد در

تهران

### کارنامه هوشنگ گلشیری

مثل همیشه (۱۳۴۷)

شازده احتجاب (۱۳۴۸)

کریستین و کید (۱۳۵۰)

نمازخانه کوچک من (۱۳۵۴)

بره گم شده راعی (۱۳۵۶)

سلامان و ابدال (تجزیر ۱۳۵۴، چاپ نشده)

معصوم پنجم، یا حدیث مرده بردار کردن آن

سوار که خواهد آمد (۱۳۵۸)

جبه خانه (۱۳۶۲)

حدیث ماهیگیر و دیو (۱۳۶۳)

پنج گنج (۱۳۶۸، چاپ سوئد)

دوازده رخ (۱۳۶۹، فیلمنامه)

در ولایت هوا (۱۳۷۰، چاپ سوئد)

آینه‌های در دار (۱۳۷۰)

دست تاریک، دست روشن (۱۳۷۳)

در ستایش شعر سکوت (۱۳۷۴)

جن نامه (۱۳۷۸)

باغ در باغ (۱۳۷۸)، مجموعه مقالات و آثار

پراکنده در داستان، شعر و مقالات به چاپ

رسیده در نشریات.

من، به گمانم، از بیست و یک یا بیست و دو

سالگی چیزهایی نوشته‌ام، یعنی چهل سالی

است که فکر می‌کنم چیزی می‌نویسم. هم شعر

گفته‌ام و هم داستان نوشته‌ام و هم نقد.

پایان نامه لیسانس در رشته ادبیات فارسی

فولکلور مردم اصفهان بود که از بازی‌های محلی

گرفته تا معتقدات مردم عوام را گرد آورده بودم.

هنوز هم قصه‌هایی دارم به نقل از شاگردانم که

چاپ نکرده‌ام. یکی دو سال هم با دوستم

دوستخواه بر روی فرهنگ لغات عامیانه کار

می‌کردیم که روزی از خیر همه آنچه بود،

گذشتم و همه را به او بخشیدم، چرا که اغلب

یکی دو ساعتی دیرتر از زمان قرارها مان

می‌آمد. از بیست سالگی هم تا یکی دو سال بعد

از انقلاب از اول ابتدایی تا کلاس‌های دانشگاه

درس داده‌ام که به اخراج از دانشگاه انجامید. دو

باری هم به زندان افتاده‌ام در زمان شاه. و دیگر

اینکه از ابتدای تأسیس، سال ۴۶، عضو

کانون نویسندگان ایران بوده‌ام. و حالا هم که

خدمت شما هستم یکی از اعضای هیئت دبیران

موقت کانون هستم. بیست‌سالی هم هست که

ازدواج کرده‌ام و دو فرزند هم دارم، بارید و غزل

و همسر هم، فرزانه طاهری، مترجم است از

زبان انگلیسی به فارسی. تا هم اکنون هم هفده

کتاب به فارسی از من منتشر شده است: که

حاوی شش رمان است سه داستان بلند، حدود

سی و چند داستان کوتاه. دو کتاب هم در نقد و

بالاخره یک داستان برای نوجوانان و یک

فیلم‌نامه چاپ شده. در نوشتن دو فیلم‌نامه که بر اساس دو اثر من بوده با کارگردان آنها، بهمن فرمان‌آرا، همکاری کرده‌ام. مجموعه مقالاتی هم دارم در نقد ادبی که منتظر اجازه است. با نام مستعار هم آثاری هست که از ذکر آنها معذورم. به زبان فارسی هفت هشت تایی مصاحبه جدی با من موجود است. تا آنجا هم که به دست من رسیده است آثاری از من به آلمانی و فرانسوی و انگلیسی و ارمنی و اردو و کردی و ژاپنی ترجمه شده.

در سال گذشته در هر دو فهرستی که دست به دست گشته و گویا قرار بوده به قتل برسند، نام من هم آمده. دو بار مشخصا کسانی سعی کردند ما را بریانند که اگر گفته‌های بعضی دوستان را بپذیرم که کسانی را در کمین ما دیده‌اند، می‌توانم بگویم که من اکنون از سر اتفاق است که اینجا ایستاده‌ام.

سه بار جایزه‌ای به نام من ثبت شده است: جایزه فروغ فرخزاد همراه با بهرام صادقی، جایزه لیلیان هلمن و دشیل‌همت از سوی سازمان دیده‌بان حقوق بشر و همین جایزه اریش ماریا و مارک، البته کارگردان فیلم شازده احتجاب که براساس همین کتاب ساخته شد جایزه فستیوال جهانی فیلم تهران را پیش از انقلاب برده است.

هم اکنون هم سردبیر ماهنامه‌ای ادبی به نام کارنامه هستم که پنج شماره آن تاکنون منتشر شده است.

حاصل این چهل سال نوشتن که البته سی و پنج سال آن به شکل جدی بوده - چون تنها همین آثار به چاپ رسیده‌است - بیم زندان و ترور است و از سوی دیگر همین داستان‌هایی است که به این نام درآمده و شهرتی در کشورم و ترجمه‌هایی به زبان‌های مختلف و مثلا همین جایزه.

حاصل نوشتن همه البته این نبوده است. بارها به کشورهای مختلف دعوت شده‌ام و بالاخره با وجود آنکه هفده سال است کار ثابتی نداشته‌ام از راه نوشتن و گاه و بی‌گاه نوشتن دیگران و اکنون سردبیری مجله‌ای ادبی گذران کرده‌ام. خانه‌ای داریم و من هم خانه کوچکی برای محل کار. در همه این سال‌ها چند سالی هم با درآمد همسرم زیسته‌ایم. گفتیم که مترجم است و گمانم بیست‌تایی کتاب از نویسندگان مختلف، در نقد و داستان و حتی روانشناسی و معماری ترجمه کرده است. با این همه نوشتن برای من یک ضرورت بوده است. حال اگر این ضرورت همراه با خطر باشد یا نباشد، دیگر مسئله ثانوی است.

## معرفی

### گروه‌های خیابانی

#### فیلم

#### گروه حماسه

نویسنده: خداداد خدام

کارگردانان: خداداد خدام، سیدوحید فخر

موسوی

بازیگران: پیام عزیزی، وحید فخر موسوی،

خداداد خدام

دستیار کارگردان: آزاده خنجری

مدیر صحنه: مریم نجاتی

**خلاصه نمایش:** گروه فیلمسازی در حال تهیه فیلمی در باره زندگی یک نابینا (روشندل) هستند که در این میان یکی از عوامل گروه که سیاهی لشکر فیلم امام علی(ع) بوده است تهیه فیلم را با مشکل مواجه می‌سازد و مسیر داستان تغییر می‌یابد، تصویر چشمان سیاهی لشکر اندوه تنهایی علی(ع) را تبیین می‌کند و بازیگر نقش نابینا کنار می‌رود.

#### Film

#### Hemaseh Group

Writer: Khodadad Khodam

Directors: Khodadad Khodam, Seyed Vahid Fakhr Mousavi

Actors: Payam Azizi, Vahid Fakhr Mousavi, Khodadad Khodam

Assistant Director:

Azadeh Khanjari

Set Manager: Maryam

Nejati

از تولد تا تولد

کرج

گروه سادیار

نویسنده: کوروش خزاعی اصل، محمد

عسگری

کارگردان: افشین سخایی فرد

بازیگران: محمد عسگری، کوروش خزاعی

اصل

دستیار کارگردان: حمیدرضا دشتی

مدیر صحنه: بهمن بهمندار

**خلاصه نمایش:** مروری بر زندگی انسان از تولد تا مرگ. دردهایش، خنده‌هایش و گره‌های کور زندگیش.

From Birth to Birth

Karaj

Sadiar Group

Writer: Kourosh Khazaie  
asl, Mohammad Asgari

Director: Afshin Sakhaei  
Fard

Actors: Mohammad Asgari,  
Kourosh Khazaie asl

Assistant Director: Hamid  
Reza Dashti

Set manager: Bahman  
Bahmandar

#### مدیر (مدیر انتظار)

نویسنده و کارگردان: ناصر محمودی

**بازیگران:** قاسم صالحپور، مهدی عسگری، کاظم حیدری، رسول نوروزی، سید مهدی سلیمی، ابوالقاسم رئیسی، مسلم سلیمانیان، کامیار معتمدیان، یوسف کاندامینی، حسن خواجوی

دستیار کارگردان: کاظم حیدری

مدیر صحنه: قاسم صالحپور، جلال نجفی

طراح لباس: ناصر محمودی

آهنگساز: اسماعیل بهدادوند

**خلاصه نمایش:** جمعیت در حال گندم پاشیدن به انتظار باران مراسمی را به نام کوسه باران راه می‌اندازد ولی علیرغم تلاش کوسه و مخالفت‌های کدخدا باران می‌آید تا حد سیل. جماعت پی چاره به کدخدا پناه می‌آورد و کدخدا چاره را در آتش می‌بیند و اکنون آتش و...

**Mandir**  
writer and director: N.  
Mahmoudi

Actors: Ghasem  
Salehpour, Mehdi Asgari,  
Kazem Heydari, Rasool  
Norouzi, Seyed Mahdi  
Salimi, Abdolghasem  
Raeisi, Moslem  
Solimaniyan, Kamyar  
Motamedian, Yousef  
Kaedamini, Hassan  
Khajavi

Assistant Director:  
Kazem Heydarian

Set manager: Ghasem  
Salehpour, Jalal Najafi

Costume design: Naser  
Mahmoudi

MUSIC: Esmaeel  
Behdadvand

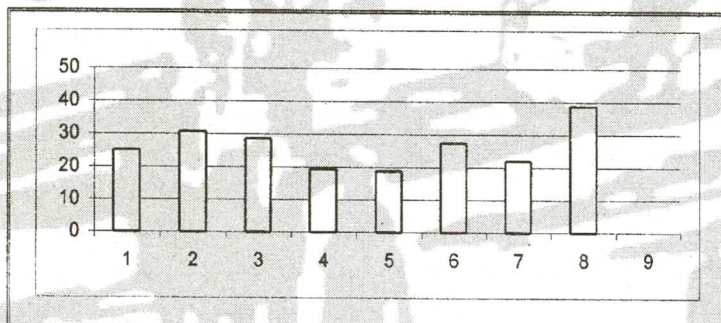


دفتر طرح و برنامه مرکز هنرهای نمایشی

# نتایج آماری آرای تماشاگران

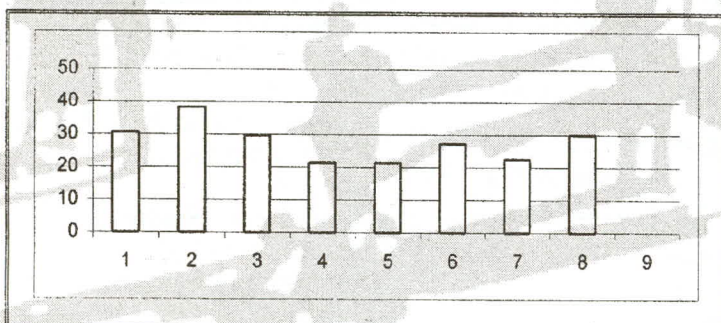
درباره ی نمایش های اجرا شده در روز یکشنبه ۹ بهمن ماه

متن (نمایش نامه)



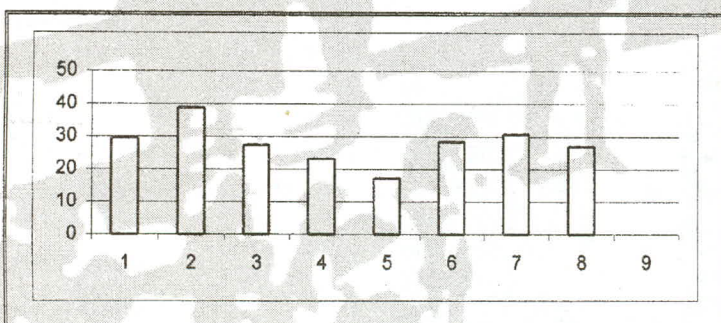
ردیف	نام نمایش	رتبه	درصد
۱	لیدی یتگ	۵	۲۵/۱۹
۲	لئوناردو	۲	۳۰/۶۶
۳	شازده کوچولو	۳	۲۸/۶۲
۴	هتل عروس	۷	۱۹/۵۳
۵	خاله ادیسه	۸	۱۸/۸۵
۶	باغ آرزوها	۴	۲۷/۴۲
۷	یه کاست لته	۶	۲۲/۴
۸	پوف	۱	۳۸/۷۵
۹	لایلا		آمار متعاقباً اعلام می شود

کارگردانی



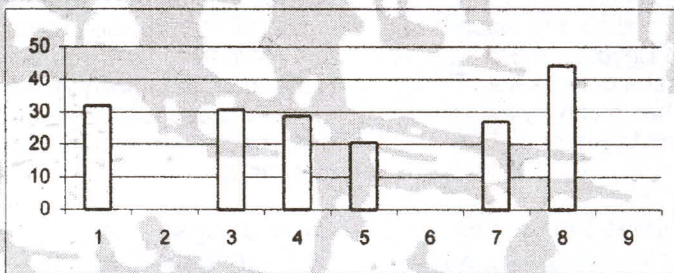
ردیف	نام نمایش	رتبه	درصد
۱	لیدی یتگ	۲	۳۰/۵۸
۲	لئوناردو	۱	۴۸/۲۳
۳	شازده کوچولو	۴	۲۹/۵۴
۴	هتل عروس	۸	۲۱/۲۴
۵	خاله ادیسه	۷	۲۱/۲۷
۶	باغ آرزوها	۵	۲۷/۱۴
۷	یه کاست لته	۶	۲۲/۵۷
۸	پوف	۳	۲۹/۹۱
۹	لایلا		آمار متعاقباً اعلام می شود

بازیگر نقش اول مرد



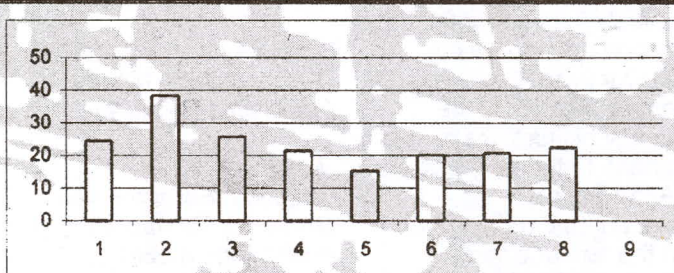
ردیف	نام نمایش	رتبه	درصد
۱	لیدی یتگ	۳	۲۹/۴۰
۲	لئوناردو	۱	۳۸/۶۶
۳	شازده کوچولو	۵	۲۷/۴۴
۴	هتل عروس	۷	۲۳/۲۱
۵	خاله ادیسه	۸	۱۷/۲۴
۶	باغ آرزوها	۴	۲۸/۲۸
۷	یه کاست لته	۲	۳۰/۶۷
۸	پوف	۶	۲۷/۱۲
۹	لایلا		آمار متعاقباً اعلام می شود

## بازیگر نقش اول زن



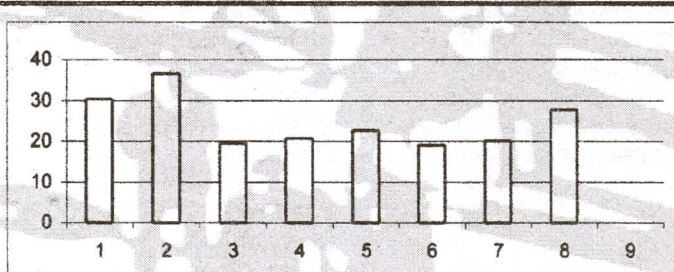
رتبه	نام نماینده	درصد
۱	لیدی بنگ	۳۱/۷۶
۲	لئوناردو	-
۳	شازده کوچولو	۳۰/۷۹
۴	هتل عروس	۲۵/۶۷
۵	خاله ادیسه	۲۰/۵۲
۶	باغ آرزوها	-
۷	په کاست لته	۲۷/۰۲
۸	پوف	۴۴/۱۷
۹	لیلوا	آمار متعلقاً اعلام می‌شود

## طراحی صحنه



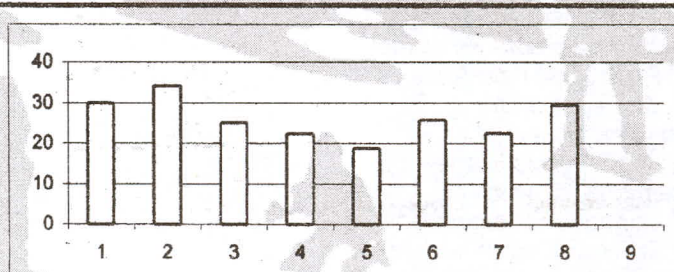
رتبه	نام نماینده	درصد
۱	لیدی بنگ	۲۴/۵۰
۲	لئوناردو	۳۸/۳۳
۳	شازده کوچولو	۲۵/۸۳
۴	هتل عروس	۳۱/۴۹
۵	خاله ادیسه	۱۵/۳۴
۶	باغ آرزوها	۲۰/۲۳
۷	په کاست لته	۲۰/۷۱
۸	پوف	۲۲/۴۳
۹	لیلوا	آمار متعلقاً اعلام می‌شود

## موسیقی



رتبه	نام نماینده	درصد
۱	لیدی بنگ	۳۰/۳۲
۲	لئوناردو	۳۶/۶۶
۳	شازده کوچولو	۱۹/۴۹
۴	هتل عروس	۲۰/۶۸
۵	خاله ادیسه	۲۲/۶۲
۶	باغ آرزوها	۱۹/۰۵
۷	په کاست لته	۲۰/۱۰
۸	پوف	۳۷/۷۴
۹	لیلوا	آمار متعلقاً اعلام می‌شود

## مجموع آرا (بعلاوه ی طراحی لباس، نورپردازی، گریم و بازیگران مکمل)



رتبه	نام نماینده	درصد
۱	لیدی بنگ	۲۹/۹۶
۲	لئوناردو	۳۴/۱۸
۳	شازده کوچولو	۲۴/۹۹
۴	هتل عروس	۲۲/۳۷
۵	خاله ادیسه	۱۸/۸۶
۶	باغ آرزوها	۲۵/۷۷
۷	په کاست لته	۲۲/۴۶
۸	پوف	۳۹/۵۲
۹	لیلوا	آمار متعلقاً اعلام می‌شود

## A Respect From The Seminars

### **Nina Dimitrova Director of "Overcoat"**

On the second day of the seminar Nina Dimitrova spoke. After thanking the organizers and the Iranian audience she said "In Bulgaria we are going through a new phase. In the past ten years changes have been taking place that have also affected the theatre. After communism Bulgaria is open to new ideologies. Cinema has also gone through these changes but not as greatly as theatre. There was a time we could only perform Russian plays, but now the youngsters that study drama courses abroad can bring their new experiences back to the country.

About the "Overcoat" Ms. Dimitrova said: "In my opinion we should be clever when faced with changes. At first everyone criticized our play and said you will not be able to communicate with the audience however fortunately we performed the play that communicated very well with the audience."

### **Hasan El-Geretely Director of "Spining Lives"**

On the eighth day of the 19<sup>th</sup> Fadjr Festival the Egyptian group El-Warsha that presented the "Spinning Lives" participated in the conference meeting.

Hasan El-Geretely the director of the play said: "This group started it's activity in 1987. Translation and presentation of works by Peter Handke, Dario Foe, Harold Pinter and Kafka are among the international works done by this group. The group also presents Egyptian traditional works, because Egypt has so many beautiful folklore stories, poems and music. The story of this play, is one of the most famous Egyptian stories, written over

and over again by the poets of this country. We have also tried to present and well tell this story in another way.

Ms. "N. Salihe" the teacher and critic of Egyptian theatre about El-Warsha group said: "This group has given a new meaning to Egyptian Theatre".

### **Mohammad Rahmanian Iranian Writer and Director**

On the second day of the seminar "Contemporary Theatre and Contemplation" Mohammad Rahmanian said: "Theatre needs audience, but unfortunately in our country contemporary means being political. Our previous experiences also show the dependency of literature on the government. In the works of Mirza Agha Tabrizi, Akhoundzadeh, Eshghei and even in the recent works in 1940s being political is the same as being contemporary. After the 1960s the two ideologies being political and contemporary got separated and writers have tries to find their way and take a step towards being international. For being global and speaking internationally we can take advantage of the experiences of the surrealist movement too.

## Introducing International Section

### **Company of Chapitô**

In the summer of 1996, the Professional Theatre Company was formed by graduates of the Escola Profissional de Artes e Ofícios do Espectáculo (Professional School of Performing Arts and Stage Management), in which an artistic language of its own was to be solidified. Theatre was to articulated with music, dance, movement, and different circus

techniques. Integrated into the Multidisciplinary Project constituted by Chapitô, this Company is a space of work where all the participants can find room for artistic and human realisation, the quality of the creative process and the final product being of equal importance.

Livers of Tiger – 1997  
Direction: Nuno Carinhas  
Throwing over theatre in Portugal

Populus Absconsus – 1997  
Direction: Claude Krespin  
Dream went to the streets

Don't Say Nothing – 1998  
Direction: John Mowat  
Assassinating tables

Momo – 1999  
Direction: Sandra Faleiro  
Momo, by Michael Ende Time is what one makes of it

Banda Sanâmbola  
Somnambulistic Band – 1999

The Marinelli Brothers – 1999  
Encenação: Fernando Gomes  
Specialists of everything show what they are worth

The Smile – 2000  
Direction: Nuno Pino Custodio  
O Sorriso

The Café – 2000  
Direction: John Mowat  
When the gesture is everything



## In The Memorial Of Two Iranian Literates

### Houshang Hesami, Critic, Journalist, Translator and Director of films and plays.

Born in 1938 in Sanandaj graduated in English literature from Tehran university, and studied a 2 year course in England's Drama center. While still at university he co-directed a play by Arthur Miller "A View From The Bridge" with an American director. In the same year he started writing plays for the radios and also produced few radio programmes.

In 1963 he started working in Keyhan Newspaper as a Journalist and critic for Cinema and Theatre. His articles about films and plays were quite valuable.

In 1971 he made the film "Ressurrection of Love" which was among the 15 top films of that time.

In 1972 he directed the play "When Did You Last See My Mother" by Christopher Hampton.

He was banned from writing for 2 years because of writing Critical articles in Keyhan.

In 1972 he directed the play "War" by Jean Claude Van Italy.

In 1978 he directed the play "King Eskourian" by Micheal Degolde which was highly appreciated by the audience.

For a short time he was the editor of a scientific magazine.

In 1987 he became the editor of "Donyaye Sokhan" a literate magazine and in the following years co-operated with other publications "Gardoon" and "Zaman".

Houshang Hesami had done many translations including plays such as "An eagle with two heads" by "Jean Cocteau", "Darkness in Midday" by "Kingslio" and "Tea Party For Generals".

The translation he's done in the field of cinema are as follow "How To Make Films" by "Andre Vida" "Woody Allen by Woody Allen" and "Tarkovsky by Tarkovsky"

His other translations, "When Death Knocks" by "Woody Allen", "Puff" by "Lean Nattigje" and ....

In 2000 he translated the two plays "Puff" and "Exercise" and directed them which was very much liked by the audience.

He was directing the play "Antigone in New York" to be presented soon, however his sudden death came as a shock to all his friends.

**"We write and read, so people of all lands can live next to each other on this small but still beautiful planet".**

Houshang Golshiri

Houshang Golshiri 1937 - 2000

### Houshang Gloschiri by Houshang Golshiri

I have written since I was 21, poems, stories and so on. For two years I worked on Iranian Folklores.

I started teaching when I was 20, And even during Shah's time I was twice Jailed for political reasons.

Since 1967 I was a member of "Iranian writers society."

I've been married to Farzaneh Taheri (Translator) and we have two kids, Barbad and Ghazal.

Up to now 17 of my books have been published in Farsi: six novels, three stories, and thirty short stories, two books about critic, a story for young adults and a film script.

Bahman Farman Ara has directed two of my film scripts, Some of my works have been translated to German, French, English, Armenian, Ordou, Kurdish, and Japanese.

I've been presented three literate prizes: Forough Farokhzad prize, Lilian Helman and Dashiil Hammet prize and Erich Maria Remark prize.

At present I'm the Editor of a literate magazine "Karnameh" five of it has been issued up to now.

And even though I haven't had a permanent job for 17 years I still have managed to have a house but there were times I had to live on my wife's income. But inspite of all these difficulties writing was a necessity for me.

### Works:

"Prince Ehtejab", "Chirstine and Kids", "Salaman and Absal", "The Fifth Saint", "Paradise in Paradise", "The Story of a Fisherman and the Demon"

## NAMAYESH

The 19th International  
Fadjr Theatre Festival

No.9

Editor-in-chief:

Lale Taghian

Graphic Designer:

Anoushiravan Mirzaei

Translators:

Akhfar Etemadi

Ava serjoei

Photographer:

Fattane Dadkhah

Computer Graphist:

Kianoosh Ramezani

Type-setting:

Farzane Sarmadi

Parviz Mirzahosseini

# برنامه‌های امروز و فردای جشنواره

## تالار وحدت:

۱۱ بهمن: شارده احتجاب  
علی رفیعی یک اجرا ۱۹  
۱۲ بهمن: آنتیگونه - یونان  
۱۹

## سالن اصلی تئاتر شهر:

۱۱ بهمن: ارداویرافنامه - ایران -  
ایتالیا - شهرو خردمند ۱۸ و ۲۰  
۱۲ بهمن: هفت کردار -  
هرمز هدایت ۱۸ و ۲۰

## سالن چهارسو:

۱۱ بهمن: خروس  
محمد رحمانیان ۱۷ و ۱۹  
۱۲ بهمن: مکبث  
فرهاد مهندس پور ۱۷ و ۱۹

## سالن سایه:

۱۱ بهمن: هزارتوی من بهجت  
حسین عاطفی ۱۸/۳۰ و ۲۰/۳۰  
۱۲ بهمن: خورشید بانو  
شکرخدا گودرزی ۱۸/۳۰ و ۲۰/۳۰

## تالار قشقایی:

۱۱ بهمن: دوتی کوتاه برای پاییز  
جواد پیشگر ۱۷ و ۲۰  
۱۲ بهمن: دزد دریایی  
امیر دژاکام یک اجرا ۱۷

## تالار کوچک:

۱۱ بهمن: تولد  
نادر برهانی مرد ۱۹ و ۲۰  
۱۲ بهمن: سبزش - بروجرد  
محسن سراجی ۱۹ و ۲۰

## تالار هنر:

۱۱ بهمن: که دیوانه می‌خندد -  
خوزستان، محمد نوروزی ۱۷/۳۰ و ۱۹  
۱۲ بهمن: مرگ یزدگرد - گیلان  
رضا فرخی ۱۷/۳۰ و ۱۹

## تالار سنگلج:

۱۱ بهمن: پس تا فردا  
محمد یعقوبی ۱۷ و ۱۹  
۱۲ بهمن: شبهای آوینیون  
کوروش نریمانی ۱۷ و ۱۹

## تالار مولوی:

۱۱ بهمن: فیروزه که می‌خواند - قم  
کوروش زارعی ۱۶ و ۱۸  
۱۲ بهمن: در جامه مردگان - اردبیل  
مجید واحدی زاده ۱۶ و ۱۸

## بوستانها و میادین تهران:

### نمایشهای خیابانی

## جلسه نقد و بررسی

سه‌شنبه ۱۱ بهمن: نقد و بررسی نمایش شارده احتجاب به کارگردانی علی رفیعی توسط همایون علی‌آبادی، صمد چینی‌فروشان و منوچهر اکبرلو و نمایش هزارتوی من به کارگردانی حسین عاطفی توسط نصرالله قادری، مهرداد رایانی مخصوص و محمود اکبرلو  
چهارشنبه ۱۲ بهمن: نقد و بررسی نمایش دزد دریایی به کارگردانی امیر دژاکام توسط همایون علی‌آبادی، صمد چینی‌فروشان و منوچهر اکبرلو و نمایش هفت کردار به کارگردانی هرمز هدایت توسط نصرالله قادری، کتایون حسین‌زاده و مصطفی محمودی

## آمار تماشاگران جشنواره در تاریخ دوشنبه ۱۰ بهمن

تالار وحدت	تالار اصلی (تئاتر شهر)	سالن چهارسو (تئاتر شهر)	سالن سایه (تئاتر شهر)	سالن قشقایی (تئاتر شهر)
لیدی ینگ چین سانس اول: ۸۵۰ نفر سانس دوم: ۶۲۰ نفر	لئوناردو پرتغال سانس اول: ۶۷۰ نفر سانس دوم: ۶۶۰ نفر	خروس محمد رحمانیان سانس اول: ۲۳۳ نفر سانس دوم: ۲۷۸ نفر	گنگ خواب دیده آتیلا پسایی سانس اول: ۱۹۵ نفر سانس دوم: ۲۲۰ نفر	خاله ادیسه بابک توسلی سانس اول: ۳۳۵ نفر سانس دوم: ۲۰۰ نفر
سالن کوچک (تئاتر شهر) تولد نادر برهانی مرد سانس اول: ۱۴۵ نفر سانس دوم: ۱۲۲ نفر	تالار هنر که دیوانه می‌خندد محمد نوروزی آبادی سانس اول: ۱۰۰ نفر سانس دوم: ۹۰ نفر	تالار سنگلج حسرت، آرزو، رویا مهدی هاشمی یک سانس: ۲۰۰ نفر	تالار مولوی بازیمخانه توحید مصصومی سانس اول: ۹۱ نفر سانس دوم: ۸۵ نفر	فضای باز (تئاتر شهر) مجلسه تمزیه هشام حلقه یک سانس: ۶۰۰ نفر

### کل تماشاگران سالنی: ۵۷۹۷ نفر

پارک دانشجو	پارک دانشجو	پارک ملت	پارک ۱۷ شهریور	پارک شهر	پارک احمد	پارک لاله	پارک لاله	پارک آزادی	پارک آزادی
ضلع شمالی مردن شور ۸۰۰ نفر چک ۳۳۰۰ نفر	ضلع جنوبی سکابت بهران کم‌شده ۲۰۰۰ نفر ترک عشق ۱۵۰۰ نفر	بیر یاد رفته ۳۵۰ نفر	سیاه و سفید ۲۵۰ نفر نقل سیاروش ۲۰۰ نفر	چگونه یاد گرفت ۳۵۰ نفر	هفت چنار برخورد ۷۰ نفر چگر هندی ۱۱۰ نفر	امفی تاتار آن چنان کندم ۱۲۰ نفر	پارک آزادی فیلم هر چی ۷۰۰ نفر	میدان آزادی شانس ۳۰۰ نفر	تکم خوانی ۲۰۰ نفر پرده برافزاد ۱۵۰ نفر
دانشگاه شریف	دانشگاه امیرکبیر	دانشگاه علامه طباطبائی	دانشگاه هنر	کوی دانشگاه تهران	دانشگاه شهید بهشتی	پارک ساحی	پارک مرزای سیرازی	پارک خیام میدان راه آهن	دانشگاه تهران
هفت خوان ۲۰۰ نفر	سکابت بهران کم‌شده ۱۵۰ نفر بدقیال جشنواره ۲۰۰ نفر	اوقات بسمتی ۲۰۰ نفر بر باد رفته ۲۰۰ نفر	مردی از همین حوالی ۱۰۰ نفر میهمانی سپاسگداری ۱۰۰ نفر	تیک بدنام ۲۵۰ نفر تلفن همگانی ۲۰۰ نفر	سیاه و سفید ۱۵۰ نفر تلفن همگانی ۲۰۰ نفر	میهمانی سپاسگداری ۱۰۰ نفر	جوش ۶۰ نفر	تلفن همگانی ۴۵۰ نفر	دانشگاه تهران

کل تماشاگران خیابانی: ۱۱۹۶۰ نفر



نوزدهمین

جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر

تهران - ۲ تا ۱۳ بهمن ۱۳۷۹

THE

19<sup>th</sup>

INTERNATIONAL  
FADIR THEATRE FESTIVAL

TEHRAN, 21 JAN. 2 FEB 2001